۵

نگاهی به مقام

حضرت زینب علیها السلام

متن سخنرانی استاد حسین انصاریان

بسم الله الرحمن الرحیم

نگاهی به مقام حضرت زینب (سلام الله علیها)

نویسنده:

حسین انصاریان

ناشر چاپی:

دار العرفان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نگاهی به مقام حضرت زینب سلام الله علیها

مشخصات کتاب

سرشناسه : انصاریان، حسین، ۱۳۲۳ -

عنوان و نام پدیدآور : نگاهی به مقام حضرت زینب سلام الله علیها/مولف حسین انصاریان.

مشخصات نشر : قم: دارالعرفان، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۳۶ص.؛س.م۹×۱۹/۵

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۳۹-۲۸-۲:۳۵۰۰ریال

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : زینب(س) بنت علی (ع)، ۶ - ۶۲ق.

رده بندی کنگره : BP۵۲/۲ /ز۹ ن۷۶ ۱۳۸۸.

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۴

شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۴۸۲۳۳

ص: ۱

سخن ناشر

آنچه انسان را در مسیر پر فراز و نشیب زندگانی از نابسامانی ها محفوظ می دارد و موجب سعادت و سرفرازی و سربلندی او در امتحانات الهی می شود ، پژوهش پیرامون علوم الهی و معارف اسلامی و پوشاندن جامۀ عمل به دستورات بلند ربانی می باشد .

در این خصوص ، دست یابی به حقیقت معارف الهی و آشنایی با جایگاه حساس و ویژۀ آن ها در حیات انسانی ، ضروری احساس می شود .

مرکز علمی تحقیقاتی دار العرفان ، در راستای اهداف الهی خود ، این بار افزون بر استفاده از مطالب پربار و عالمانۀ دانشمند محقّق حضرت استاد حسین انصاریان ، با انتشار گلچینی از متن سخنرانی های معظّم له ، از بیان پر حرارت و جذاب

سخنرانی های استاد نیز تشنگانِ معارف سراسر نور ائمه اطهار : را بی نصیب نگذاشته و بدون خارج ساختن متن سخنرانی از قالب گفتاری آن ، باب دیگری را برای استفاده از معارف آل الله : و سیراب گشتن از این چشمۀ پرفیض باز نموده است .

امید که با عنایات خاص اهل بیت عصمت و طهارت : بیش از بیش بتوانیم از زمزم معارف آن ذوات مقدّس سیراب گردیم .

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین و الصلوه و السلام علی سیـــد الانبیاء و المرسلین حبیب الهنا

وطبیب نفوسنا ابی القاسم محمد صلی الله علیه و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین

المعصومین المکرمین

قانون وراثت و حضرت زینب سلام الله علیها

از قـانونی بحث می کنم که نزد دانشـمندان به عنوان قـانون وراثت شـناخته می شود . بر اسـاس این قـانون ، اوصاف ، خصال ، طبیعیات و واقعیات پدران و مادران به وسـیله یک سلسـله عوامل و ابزار ، به فرزندان آن ها منتقل می شود و هیچ انسانی هم از این قـانون وراثت مسـتثنی نیست ؛ نسـل به نسل ، همه انسان ها تحت تأثیر قانون وراثت هسـتند . دانشـمندان امروز جهان ، این عقیده را دارند که این خصال و اوصاف به وسیله عنصر بسیار پیچیده ای به نام «ژن» ، به فرزندان منتقل می شود .

از شگفتی ها است که پیغمبر عظیم الشأن اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در چهارده قرن قبل ، در ضمن یک حادثه جالب ، به این حقیقت اشاره فرموده اند . زن و شوهر جوان سفید پوستی وقتی که خداوند مهربان به آن ها فرزندی عنایت می کند ، شوهر می بیند این فرزند ، سیاه پوست است . با اعتماد و اطمینانی که او به همسرش داشت و او را زنی پاکدامن ، با عفت و باتقوا می دانست ، خیلی برایش شگفت آور بود که چرا فرزند آن ها سیاه چهره به دنیا آمده است . این شد که او فرزندش را به بغل گرفته و به مسجد می رود و به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم مشرف شده و به ایشان عرض می کند ، من سفید پوستم و همسرم هم سفید پوست است ، ولی بچه مان سیاه حبشی به دنیا آمده است . رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به او اطمینان صددرصد می دهد که این طفل از تو و از همسر تو است ، اما در نطفه همه انسان ها یک عنصری هست به نام «عرق» ، و بعد فرمودند : «هـذَا نَزِعَهُ عِرْقٍ» (این از جا برکندن ریشه و اصلی است) . ای مرد ! بدان یقیناً این «عرق» انتقال دهنده اوصاف ، خصایل

ص: ۵

و روحیات گذشتگان است به آیندگان ، و قطعاً در پدران گذشته تو ، یا در پدران گذشته همسرت ، یک مرد و یا یک زن ، سیاه پوست بوده و این «عرق» ، این سیاهی را از آن ها منتقل کرده است و از بچه تو این رنگ ظهور یافته و آشکار شده است . بنابراین ، نگران نباش و مطمئن باش و یقین داشته باش که این طفل ، طفل شماست .(۱)

این قانون وراثت می باشد که برای دانشمندان هم ثابت شده است . البته ، اگر آنها هم در این زمینه کشفی نداشتند ، برای ما مسلمان ها این مسأله ، مسأله ثابت شده ای بود ؛ چون علاوه بر روایات ما ، در آیات قرآن مجید هم اشاره به این معنا را داریم ؛ خداوند متعال درباره ذریه انبیای خود همین مطلب را تلویحاً بیان فرموده است : «ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِن بَعْضٍ»(۲) : آنان در کرامت ، و در شرافت ، و در آقایی ، و در اخلاق ، و در اوصاف ، و در صفات ،

۱- صحیح بخاری، ج۸، ص۳۱.

۲- آل عمران:۳۴.

وصل به یکدیگر و از یکدیگر بوده و یک حقیقت هستند . از ابراهیم سلام الله علیها اوصافش به اسماعیل سلام الله علیها منتقل شده و از اسماعیل سلام الله علیها نیز این اوصاف به نسلش انتقال یافته است ، و از نسلش ، به پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه طاهرین : منتقل شده است .

در کتاب های لغت هم نوشتند ، عرقی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرموده : «فَاِنّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ» : ریشه و اصل ، در پنهانی و به نازکی و باریکی بسیار دخالت کننده است ، معنای آن این است که پدران و مادران ، اوصاف خود را به اولادشان انتقال می دهند .

نتیجه سخن تا این جا ، این است که در یک مرحله ، باید از نظر قانون وراثت ، درباره وجود مبارک زینب کبری سلام الله علیها بحث کرد و گفت ، زینب کبری سلام الله علیها بر اساس این قانون ، جلوه ذخیره های عظیم معنوی چهار شخصیت است ؛ یعنی وجود مقدس او ، خورشیدی است که از افق

گنجینه های شخصیتی چهار خزانهٔ ارزش های پروردگار مهربان عالم ، طالع شده است . خزینه اول ، وجود مبارک امیرمؤمنان سلام الله علیها بوده و خزینه دوم ، وجود مبارک فاطمه سلام الله علیها است که بنا بر تأویل ائمه طاهرین : که راسخان در علم هستند و تأویل قرآن پیش آن هاست : «وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ»(۱)، پروردگار عالم ، از وجود مبارک امیرمؤمنان سلام الله علیها و حضرت زهرا سلام الله علیها ، به دو دریا تعبیر کرده است که لؤلؤ و مرجان از این دو دریا ظهور می کند : «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ . بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ . فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ . يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ » (۲) . امیرمؤمنان سلام الله علیها از دیدگاه خدا یک دریا است ، ولی دریایی است که اول دارد ، ولی

۱- آل عمران:۷.

۲- رحمن: ۱۹ _ ۲۲.

آخر ندارد . فرق ایشان با خدا همین است که خدا اول ندارد و آخر هم ندارد . امیرمؤمنان سلام الله علیها اول دارد ، ولی پایان ندارد . در ارزش ها ، حضرت زهرا سلام الله علیها هم اول دارد ، ولی پایان ندارد . در ارزش ها ، مجموعه عناصر شخصیتی امیرمؤمنان و حضرت زهرا سلام الله علیها ، شخصیت زینب کبری سلام الله علیها را تشکیل داده است ، و دو خزانهٔ دیگر وجود مقدّس حضرت زینب سلام الله علیها هم یکی وجود مبارک رسول خداست که پدرِ مادر زینب کبری سلام الله علیها می باشد ، و یکی هم خدیجه کبری سلام الله علیها است که مادر مادر زینب کبری سلام الله علیها می باشد .

از سخن حضرت علی سلام الله علیها درخطبه ۱۹۲ نهج البلاغه برمی آید که حضرت خدیجه سلام الله علیها اولین زنی است که اسلام آورده ، و در روایات چنین بیان شده که آن حضرت اولین زن در عالم است که در قیامت ، قدمش به بهشت می رسد(۱). خدیجه کبری سلام الله علیها کسی

ص: ۹

۱- قندوزی، ینابیع الموده ذوی القربی، ج۱، ص۴۶۹.

است که پیغمبر اکرم سلام الله علیها تا آخر عمرشان نسبت به یاد او بی توجّه نبودند و همیشه که صحبت از خدیجه کبری سلام الله علیها می شد ، پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم از او تعریف می کردند (۱) و در روایات ما آمده که هنگام مرگ خدیجه سلام الله علیها ، جبرئیل سلام الله علیها نازل شد و رضایت خدا را از خدیجه کبری سلام الله علیها به پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم اعلام کرد . این مجموعه ارزش های وجود پیغمبر ، خدیجه ، امیرمؤمنان و فاطمه زهرا : ، یکجا در زینب کبری سلام الله علیها طلوع کرده است . بر اساس قانون وراثت ، وقتی زینب به دنیا آمد ، قنداق مبارکش را که به دست رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دادند ، در اولین باری که پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم به او نظر انداخت ، فرمودند : هر چشمی در این دنیا

برای این دختر گریه کند ، ارزش گریه او ، مساوی با گریه بر حسن و حسین سلام الله علیها است ؛ یعنی یک قطره اشک برای زینب کبری سلام الله علیها ، مساوی است با گریه کردن بر دو امام معصوم سلام الله علیها . نفرمودند ، ثواب گریه بر این دختر ،

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج۱۶، ص۱۳.

مساوی گریه بر ابا عبدالله سلام الله علیها است ، بلکه فرمودند گریه بر او ، مساوی است با گریه بر دو امام معصوم سلام الله علیها ؛ یعنی اگر در قیامت ، گریه بر حضرت مجتبی سلام الله علیها که درباره آن پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود : هر کس برای حسن من گریه کند ، قیامت که همهٔ چشم ها گریان است ، چشم او گریان نخواهد بود ، و گریه بر ابا عبدالله سلام الله علیها که سبب شفاعت ، رحمت و مغفرت است ، این دو گریه را اگر در یک کفهٔ ترازو بگذارند و گریه بر زینب کبری سلام الله علیها را در یک کفهٔ دیگر ، با هم مساوی می شود .

دانش زینب کبری سلام الله علیها

اما درباره دانش زینب کبری سلام الله علیها ، امام سلام الله علیها درباره حضرت زهرا سلام الله علیها و دانش آن حضرت یک نظر دارند ، و وجود مبارک زین العابدین سلام الله علیها هم درباره عمه شان حضرت زینب کبری سلام الله علیها ، از نظر دانش و بینش ، یک نظر دارند . امام باقر سلام الله علیها می فرماید : این که اسم مادر ما را «فاطمه» گذاشتند ، بی علت ،

بی جهت ، بی سبب و بی دلیل نبوده است . علت آن این است که پروردگار عالم در دنیای معنا به مادر ما خطاب کرده : «فَطَمْتُکَ بِالْعِلْمِ»(۱) . «فطم» ؛ یعنی قطع کردن ، جدا کردن . لغت «فطم» ، به معنای بریدن است . معنای حدیث چنین می شود : فاطمه سلام الله علیها را فاطمه می گویند ، به علت این که خدا به او فرمود : من با پرکردن تو از علم خودم ، تو را و قلبت را از علوم همهٔ زمینیان بریدم و نگذاشتم تو در دانش و بینش ، نیازمند علوم بشری بشوی .

و دانش زهرا سلام الله علیها دانشی الهی است . کنار بازار کوفه ، وقتی زینب کبری سلام الله علیها خطبه خواندند و حادثه کربلا را تحلیل کردند و مردم را به آن گناه بی نظیرشان آگاه کردند ، زین العابدین سلام الله علیها کنار محمل عمه خود ، خدا را شکر کردند و فرمودند : عمه جان ! من پروردگار عالم را شکر می کنم و سپاسش را می گویم که الحمدلله تو تعلیم دیده بدون

۱- شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۶۰.

معلّم بشری هستی ،(۱) و این دریای دانشی که در وجود تو موج می زنـد ، مسـتقیماً الهی و خـدایی است ، همـان طوری که خداونـد از دانش بیکرانش در قلب مـادرش زهرا سـلام الله علیها قرار داد ، از دانش بیکرانش در قلب مطهّر زینب کبری سـلام الله علیها قرار داد و این سابقه هم داشت ، نه این که اولین بار بوده است . این که عنایت خـدا بر یک انسان ، کامل جلوه کند ، ما در قرآن مجیـد درباره دو نفر صـریحاً می بینیم که خداونـد متعال در ایام کودکی آن ها ، دانش خود را در ظرف قلب آنان ریخته است : یکی مسـیح که در متن قرآن است که در گهواره ، در روز اول تولّـد ، به یهودیانی که به مادرش مریم سـلام الله علیهـا گفتنـد : «مَا کَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَ مَا کَانَتْ أُمُّكِ بَغِیّاً» (۲): مریم ! پـدرت که آدم بدی نبود و مادرت که زن پاکدامنی بود ، شما هم که شوهر نکردید ، پس این بچه را از کجا آوردی ؟ مریم سلام الله علیها اشاره به گهواره

۱- طبرسی، احتجاج، ج۲، ص۳۱.

۲- مریم: ۲۸.

کرد . آن جمع یهودی گفتند : «کَیْفَ نُکَلِّمُ مَن کَانَ فِی الْمَهْدِ صَبِیًّا»(۱) : شما اشاره به گهواره می کنید ، بچه یکروزه که حرف نمی زند که از میان گهواره صدا بلند شد : «إِنِّی عَبْدُ اللَّهِ

آتَانِیَ الْکِتَابَ وَ جَعَلَنِی نَبِیّاً» (۲) . خود کتاب ، علم است . پروردگارعالم کراراً در قرآن مجید از تورات ، انجیل و قرآن تعبیر به علم کرده است : «مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ »(۳) . همه تورات را قرآن می گوید ، علم . همه انجیل را می گوید ، علم : «آتَانِیَ الْکِتَابَ » : خدا علم به من داده ، «وَ جَعَلَنِی نَبِیّاً» : و مقام نبوت را به من داده است . مقام نبوت که همراه با تاریکی ، ظلمت و جهل که نیست ؛ علم است ؛ علم خدایی که بچه یکروزه در گهواره را ؛ چنان که قرآن می گوید ، خزانه علم قرار می دهد .

۱- مریم: ۲۹.

۲- مریم: ۳۰ .

۳- آل عمران:۱۹.

همان خدا بدون معلّم بشری ، زینب کبری سلام الله علیها را خزانهٔ علم بشری قرار می دهد . چنان که گفتیم ، بنا به نقل قرآن کریم ، این کار یک بار برای حضرت مسیح سلام الله علیها اتفاق افتاده است . یا درباره یحیی سلام الله علیها می فرماید : «وَ آتَیْنَاهُ الْحُکْمَ صَبِیّاً»(۱): ما مقام نبوت و حکمت را

در حالی که یحیی سلام الله علیها بچه سه و چهار ساله بود ، به او عنایت کردیم . این متن قرآن است . پس این بار دوم است که این اتفاق به وسیله خدا افتاده است . چه مانعی دارد که همین اتفاق برای حضرت زهرا سلام الله علیها هم افتاده باشد ؟ چه مانعی دارد که همین ماجرا برای زینب کبری سلام الله علیها هم اتفاق افتاده باشد ؟ این اتفاق ، نشانگر کمال آن هاست ؛ نشانگر عظمت روحی آن هاست . نشانگر ارزش های انتقال یافته از امیرمؤمنان ، حضرت زهرا ، پیغمبر و خدیجه کبری : در وجود مبارک اوست . قلب به پروردگار اتصال داشته و از طریق این اتصال ، علم خداوند در این خرانه

۱- مریم:۱۲.

با عظمت سـرازیر شـده است . او این علم را حبس نکرد ؛ چرا که اهل بیت : طبق آیات قرآن ، در همه امور اهل انفاق بودند : «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى . وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى . فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى (۱) . «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى» ، چه چیزی را بخشـش کرد ؟ مال ، آبرو ، قدرت ، دانش ، شخصیت ، زبان ، قلم و قدم در تمام نعمت هایی که خداوند به اهل بیت : عنایت کرده بود ، آن ها اهل انفاق بودند . در هیچ زمنیه ای در وجود

اهل بیت : بخل وجود نداشت . زینب کبری سلام الله علیها در دوره عمرش سه کلاس تشکیل داد ، ولی با کمال تأسّف از این سه کلاس ، چیزی بـاقی نمانـده است . حیـف از آن کلاس هـا و حیف از بی توجّهی شـاگردان آن کلاس هـا . یکی از این کلاس ها که زینب کبری سـلام الله علیها مخصوص خانم ها تشکیل دادنـد ، کلاس تفسـیر قرآن بود ، و ای کاش ! بخشـی از تفسیری که زینب کبری سلام الله علیها فرموده بود ، به دست

۱- لیل:۵ _ ۷.این کتاب، کتابی واقعاً با ارزش است که اخیراً توسط انتشارات اسوه در سه جلد به طبع رسیده است.

ما رسیده بود تا به وسیله زینب کبری سلام الله علیها ما با عمق آیات قرآن آشنا می شدیم . لغت «تفسیر» ، به معنای پرده برداری است . زینب کبری سلام الله علیها به عنوان تفسیر قرآن ، پرده از آیات قرآن برداشتند و عمق آن ها را برای مردم بیان کردند . این انسان عالم ، این انسان بصیر ، این انسان با بینش ، شاید نزدیک چهل سال برای زنان مدینه و کوفه قرآن گفت ؛ حقایق قرآن را بیان کرد ؛ تفسیر آیات را بیان نمود ، ولی آن ها را ننوشت . چیزی از این تفسیر باقی نمانده است . این توصیف یک کلاس او بود . قرآن در خانه آن ها نازل شده و کسی مانند آن ها ، عمق قرآن مجید را نمی داند . او فرزند پدری بود که اهل تسنن در کتاب بسیار با ارزش ینابیع الموده خودشان* ، نقل می کنند که ابن عباس می فرماید ، من پیش امیرمؤمنان سلام الله علیها تفسیر قرآن

می خواندم ، امیرالمؤمنین سلام الله علیها به من فرمود : پسر عباس ! اگر من آنچه در هفت آیه سوره حمد است ، از «ب» «بِسْمِ اللَّهِ» تا «وَلاَ الضَّآلِّینَ» را برای شما بگویم و شما هم گفته های من را بنویسید ، و بعد از این که من پایان کلاس را اعلام بکنم ، هفتاد شتر جوان را باید بیاورید تا این نوشته ها را بار کنید تا بتوانید آن ها را با خود ببرید . (۱)

زینب کبری سلام الله علیها دختر یک چنین مفسر قرآنی است . بنابراین ، معلوم است از قرآن چه چیزی پیش زینب کبری سلام الله علیها بود . این توصیف یک کلاس زینب کبری سلام الله علیها است . کلاس دیگری که وجود مقدس زینب کبری سلام الله علیها داشتند ، کلاس فقه بود . فقه دریای وسیعی است . یک طلبه ما در قم ، وقتی فقیه کامل و مدرّس فقه می شود که هشتاد و چهار باب فقهی را در هشتاد و چهار

عنوان کتاب فقهی به صورت اجتهادی در سی سال شب و روز بخواند ،

۱- ینابیع الموده، ج۱، ص۲۰۵.

ولی همه این دریای فقه ، پیش زینب کبری سلام الله علیها بود که اگر گفته های ایشان را در این کلاس ثبت کرده بودند ، باور کنید در مسایل فقهی ، هشتاد درصد کار مراجع ما ، با گفته های زینب کبری سلام الله علیها آسان شده بود ؛ چرا که او خودش چشمه صافی برای فقه بود ، اما مراجع ما الآن کنار چشمه گل آلود هستند . اگر این بزرگوران بخواهند در مسایلی از فقه در روایات غور و بررسی کنند و فتوا بدهند ، ممکن است ده تا روایت ساختگی در آن روایات باشد ، و وجود چنین امکانی ، بخش روایات را گل آلود کرده است . حالا مراجع ما باید بنشینند و این روایات را ارزیابی کنند و بر اساس روایت صحیح ، به میلیون ها نفر شیعه فتوا بدهند ؛ برای همین برای به دست آوردن روایت صحیح در این چشمه گل آلود ، گروهی آمدند و روایات را تقسیم بندی کردند ؛ اخبار و احادیث را تقسیم بندی کردند ؛ خبر متواتر ، خبر صحیحه ، خبر حسن ، خبر مسلسل ، خبر مسند ، خبر مرسل ، خبر ضعیف ، خبر موثّق ، خبر مجهول . در مجموعه این اخبار ، این تقسیم بندی نیز

وجود دارد : خبر عـامی ، خبر خاصـی (امـامی) ، خبر مطلق ، خبر مقیّـد ، خبر مخصّـص ، خبر ناسـخ . یـک مرجع چقـدر بـاید زحمت بکشد که از میان این چشمه ، یا به یک خبر متواتر ، یا به یک صحیحه ، دست پیدا کند و بعد ، بر اساس آن فتوا بدهد .

روشـنفکرها خیال می کننـد ، فتوا دادن کار خیلی ساده ای است ، می گویند ، خودمان می بینیم و می گوییم . من می گویم : شما چه چیزی را می بینید و می گویید . دیدن شـما دیدنی علمی نبوده و گفتنتان هم گفتن حق نیست . آخر شما چه چیزی را می بینیـد و چه چیزی را می گوییـد ؟ اگر به شـما یک کتاب حدیث بدهند ، هیچ تخصّصـی در شـناخت احادیث آن ندارید . شما چه شـناختی داریـد ؟ برای شـناخت یک روایت ، حـداقلماننـد آیت الله العظمی بروجردی (ره) باید درباره چهارده هزار راوی شـناخت داشته باشید . شما درباره دو نفر از آن ها هم شناخت ندارید . این مرد در هشتاد و هشت سالگی ، چهارده هزار راوی حدیث را که در کتاب ها دسته بندی کرده بود ، در ذهن داشت و همه این راویان را

می شناخت که روایت کدام ها قابل قبول است ، و کدام ها مورد اعتماد هستند و کدام ها قابل رد هستند ، و کدام ها مجهولند . کدام ها غیرثقه هستند . کدام ها ثقه هستند . کدام ها مطمئن هستند . شما چه می دانید این حرف ها را و این که چگونه باید در مورد یک راوی ارزیابی بشود . دین را باید عالم ربانی به مردم بدهد ، نه یک روشنفکری که از فرهنگ اروپایی ارتزاق کرده ، نه روشنفکری که در آمریکا تربیت شده است . دین را باید تربیت شده قم ، مشهد و نجف به مردم بدهد .

چنان که گفته شد ، حضرت زینب سلام الله علیها فقه می گفت و خودش چشمه زلال این علم بود . کلاس دیگرشان هم کلاس اخلاق بود ؛ کلاس تربیت نفوس ، کلاس تزکیه نفوس ، به تعبیری کلاس آدم سازی . با توجّه به این که وجود مقدّس خودشان ، مجسّمه کامل اخلاق بودند .

برایم خیلی مهم بود که در سوریه ، در یکی از کتابخانه های آن جا ، این قسمت از زندگی ایشان را در کتابی که در شرح حال زینب کبری سلام الله علیها بود ،

دیدم . در تحلیلی که در یک بخش این کتاب آمده بود ، راجع به دانش ، بصیرت و علم زینب کبری سلام الله علیها بحث می کرد که به نظر من مطالب مهم و ارزنده ای داشت .

حماسه زینب کبری سلام الله علیها

امّا در باره برخورد ایشان با حادثه کربلا ، خیلی ساده و آسان می گویم که برخورد زینب کبری سلام الله علیها در این رابطه ، برخوردی صابرانه بوده است .

اما این صبر در زینب کبری سلام الله علیها چگونه بوده ؟ او سخت ترین ، سنگین ترین ، دردناک ترین و رنج آورترین حادثه تاریخ را دیده است . آن هفتاد و دو نفر که از دنیا بریده و شهید شدند و به خدا پیوستند ، تمام سنگینی بار این حادثه روی دوش زینب کبری سلام الله علیها آمد ، به انضمام این که از طرف برادر مأمور شد ، هشتاد و چهار داغدیده را از کربلا تا شام و از شام تا مدینه سرپرستی کند ، این همه

مصیبتها را زینب سلام الله علیها تحمل کرد ، و با مدیریت مدبرانه اش پیام شهدای کربلا را به گوش همگان رسانید . آن حضرت سلام الله علیها با این حادثه ، برخوردی الهی کرد و از زمان وقوع این حادثه تا روز وفاتش ، برای یک بار ، به خاطر حادثهٔ کربلا نفسی که بوی گلایه و شکایت از خدا را بدهد ، از دل نکشید ؛ بلکه کنار حادثه تلخی به این وسعت ، شاکر بود . چه کسی این تحمّل را داشت کنار چنین حادثه ای بنده شاکر پروردگار باشد . ابن زیاد وقتی دربارگاهش به مسخره به زینب کبری سلام الله علیها گفت ، رفتار خداوند را نسبت به اهل بیتت چگونه دیدی ؟ یعنی دیدی که خداوند ما را پیروز کرد و شما قطعه قطعه و متلاشی شدید . جواب داد : «وَ مَا رَایْتُ اِلَّا جَمِیلاً . »(1) : جز رفتاری زیبا و نیک از خداوند ندیدم ؛ یعنی خداوند امامت را با شهادت در هم آمیخت و بالاترین زیبایی را درست کرد ؛ چنان که

۱- ابن نما حلی، مثیرالاحزان، ص۷۱.

بـا این آمیزش ، برای ما چهره ای زیباتر از یوسف سـلام الله علیها را به وجود آورد . در روز یازدهم با چه تحمّل مثبتی و با چه صبر ملکوتی و عرشـی آمد و دو دست مبارکش را زیر بدن قطعه قطعه شده ابا عبدالله سـلام الله علیها برد و با یک دنیا ادب به سمت آسـمان برگشت و به پروردگار گفت : «اللّهُمَ تَقَبَّلْ مِنَّا هَـذَا الْقَلِیلَ الْقُرْبَانَ . » : خـدایا ! این انـدک را به عنوان قربانی که اصلاً تناسبی با عظمت خدایی تو ندارد ، از ما قبول کن . (1) ما یک چیزی می گوییم و یک چیزی را می شنویم که اگر یک میلیونیوم آن بر سر خودمان بیاید ، آن وقت

باید ببینیم چه کاره هستیم ؟ در این موقعیت ، عبادت و صبر در ایشان جمع شده بود . امام صادق سلام الله علیها این موقعیت را چنین توصیف می کند : عمه جان ! عصر عاشورا تمام فرشتگان خدا از مقاومت ، صبر و ایستادگی تو شگفت زده شدند ؛

۱- شیخ محمّد مهدی حائری، شجره طوبی، ج۲، ص۲۹۴.

یعنی نتوانستند هضم بکنند که انسان هم این قدر عظیم است . به خدا قسم ! راحت می توانم بگویم آن زمانی که خدا به ملائکه خبر داد : «إِنِّی جَاعِلٌ فِی الأَرْضِ خَلِیفَةً . » (۱)

ملائکه برگشتند و گفتند : «أَتَجْعَلُ فِیهَا مَنْ یُفْسِدُ فِیهَا وَیَسْفِکُ الدِّمَاءَ» (۲). خدا به آنها فرمود : «إِنِّی أَعْلَمُ مَا لاَتَعْلَمُونَ»(۳) : من از آفرینش این انسان چیزی می دانم که شما نمی دانید ، و آنان نمی دانستند .

تا عصر عاشورا که خدا برگشت به ملائکه گفت : زینب سلام الله علیها را ببینید ، من این را می خواستم خلق کنم : «إِنِّی أَعْلَمُ مَا لاَتَعْلَمُونَ» (۴). چند میلیون سال قبل هم حالا برای شما روشن شد که خلیفه یعنی چی ؟ انسان

یعنی چی ؟ که یک خانمی که دنیای

۱- بقره: ۳۰

۲- بقره: ۳۰

۳- بقره: ۳۰

۴- بقره: ۳۰

عـاطفه و رأفت قلب است ، در یک نصف روز ، هفتاد و دو نفر را جلوی چشـمان او سـر ببرنـد و قطعه قطعه کننـد و بعـد بیاید کنار این بـدن های پاره پاره بنشـیند و بگوید : «اللّهُمَ تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقَلِیلَ . » این است ، «أَعْلَمُ مَا لاَتَعْلَمُونَ» . به خدا قسم ! شـب یـازدهم ، برای آن حضـرت ، یـک ذره از کیفیت عبادتش با شب های مـدینه فرق نکرد . این شب هم سـکینه کبری سـلام الله علیهـا می گویـد ، عمه ام کنـار آن خـاک هـای بیابـان ، سـحر مشـغول نمـاز شب و مناجات بود ؛ یعنی با بودن این حادثه ، از پروردگار کمال رضایت را داشت .

حکومت الهی زینب کبری سلام الله علیها

امّا راجع به سـرپرستی او باید گفت ، شما می دانید که اهل بیت : را از چه مسیری به شام بردند . آن دژخیمان اهل بیت : را از مسـیر طبیعی عراق به شـام نبردنـد ؛ بلکه آنـان اهل بیت : را در حالی که جلوی محمل ها ۱۸ سـر بریده را بر بالای نیزه ها زده بودند ، از منطقه موصل و حدود کرکوک ، مرز روم شرقی ،

ترکیه آن زمان ، به دمشق بردند ؛ یعنی از مناطق کردنشین و ترک نشین که آن وقت این ترک ها و کردها اغلب مسیحی بودند . بعد در این شهرها اعلام می کردند و به خاطر یزید ، این اکراد و این اتراک مسیحی بیرون می ریختند و سرود می خواندند ؛ پایکوبی می کردند ؛ به زن و بچه داغدیده سنگ می زدند چوب پرت می کردند . این ها را تا دمشق این گونه بردند . هر جایی هم که آن ها را پیاده می کردند ، خود لشکر یزید آشپزخانه مفصّلی بر پا می نمود . امّا اهل بیت : به یک ذره نان خشک قناعت می کردند و سختی را تحمّل می نمودند . تا این که به شام رسیدند . یزید سؤال می کند ، این ها از کربلا تا این جا چه عکس العملی داشتند ؟ در پاسخش گفتند : دو عکس العمل داشتند . یکی این بود که به ما جز آقایی و کرامت نشان ندادند و از کربلا تا شام ، نه بچه دو و سه ساله آنها ، و نه زن شصت و هفتاد ساله آنان ، و نه این جوان بیمار آن ها ، یک تقاضا هم از ما نکردند و ما را از سگ کمتر حساب

کردند . این یک عکس العمل . عکس العمل دوم آنها هم این بود که با این سختی راه ، گرسنگی و تشنگی هر جا آن ها را پیاده کردیم ، یا مشغول به خواندن قرآن شدند ، یا عبادت کردند ، یا صورت روی خاک گذاشتند و به مناجات برخاستند . این حکومت زینب کبری سلام الله علیها ، در یک ملت هشتاد و چهار نفر است . اگر حکومت ، حکومتی الهی باشد ، از حکمرانانش ، چیزی جز آقا منشی و بندگی خدا ، برای مردم ظهور نمی کند . اگر حکومت ، این حکومت نباشد . البته ، باید این همه فساد رواج سیل وار پیدا کند .

اما چنان زیبا زینب کبری سلام الله علیها بر این ملت الهی هشتاد و چهار نفره حکومت کرد که این ملت دشمن را از سگ ، کم تر حساب کردند و لحظه ای هم از عبادت خدا غافل نشدند .

ما زمان شاه وقتی می خواستیم به حکومت انتقاد کنیم ، اسم شاه را که نمی بردیم و به جای اسم شاه ، اسم معاویه ، یزید ، ابوبکر ، عثمان و این ها را می بردیم . ساواکی ها پای منبر می فهمیدند ما چه

داریم می گوییم . ما که کنایه می زدیم ، روز بعد به در خانه ما می آمدند که ساواک شما را خواسته است ، یا چهار روز بعد می آمدند در خانه ما چشممان را می بستند و می بردند و به زندان می انداختند . در طول عمرمان خود شاه را هم ندیدیم ، و اگر رو در رو او را می دیدیم ، معلوم نبود بتوانیم از او انتقاد کنیم . قدرت یزید هزار برابر قدرت شاه بود . وسعت کشورش هم بیست برابر وسعت ایران امروز ، پهناوری داشت . حالا در بارگاه یزید ، خانمی داغدیده و اسیر را آوردند و با این قدرت عظیم آن روز رو به رو کردند . زینب کبری سلام الله علیها از جا بلند شد و به شاه گفت ، به شاهی که صد برابر شاه کشور ما قدرت داشت : «یابن الطلقاء» (۱): ای فرزند بردگان و غلامان آزاد شده ! پسر مردمان پست ! پسر مردمان لعین ! پسر مردمانی که بچه هایتان انتساب درستی نداشتند و نمی شد

۱- ابن طیفور، بلاغات النساء، ص۲۲.

گفت که مادرشان این است و پـدرشان این ! تو از چنین خانواده ای هستی . ای نسل نامعلوم ! «یابن الطلقاء ! » : فرزنـد غلامان آزاد شده ! پسـر مردمان پست ! آنچه نقشه داری به کار بگیر و هر اسبی داری بتازان ، اما من اسـیر ، مطلبی را از آینده عالم به تو بگویم . یزیـد ! هرچنـد هفتاد و دو نفر ما را در کربلا قطعه قطعه کردی و نگـذاشتی بـدن هایشان را دفن کنیم ، در آینـده ، این بیابان تبـدیل به یک شـهری به نام کربلا می شود . برای برادرم گنبد و بارگاه و حرم برپا می گردد . دل های مردم از همه عالم متوجّه حرم حسـین سـلام الله علیها ما می شود و به آن جا می آیند و از خاک قبر حسـین سـلام الله علیها من ، برای شفای بیمـاران و سـاختن مهر نماز بر می دارنـد . در آینـده ، لعنت مردم دنیا متوجّه شـما می شود ؛ یعنی زینب کبری سـلام الله علیها یزیـد را از غیب خبر داد . یزیـد مات زده بود و نمی توانست به میرغضب بگوید ، گردن این زن را بزن . چون حرف هایی که زینب کبری سلام الله علیها زد ، برای خودش هم ایجاد مصونیت کرد . اصلاً شام را به هم می ریخت . یزید دید

نمی تواند زینب کبری سلام الله علیها را اعدام بکند . این شرابخورِ سگ بازِ میمون بازِ متکبر که از برخورد زینب کبری سلام الله علیها سخت شکست خورده بود ، می دانید چگونه تلافی کرد ؟ جلوی چشم خواهر ، دست برد و چوب خیزران خود را برداشت و به لب و دندان سر بریده حمله کرد . این بچه های کوچک دامن عمه را گرفتند و همه فریاد زدند : وامحمداً واعلیاً . کاری زینب کبری سلام الله علیها کرد که در تمام حادثه کربلا نکرد . وقتی دید یزید با چوب به لب و دندانِ سربریده حمله می کند ، زیر چادر عصمت دست برد و گریبانش را پاره کرد . خیزرانی که یزید بر آن لب می زد ، بر دل زینب سلام الله علیها ، نیشتر فرو می کرد .

ص: ۳۱

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹